

جا پ لندن

U.K. 40p U.S.A. \$1.25 FRANCE 6F CANADA \$1 AUSTRIA 16sch

۱۲ صفحه
۴۰ پینس

دوره دوم شماره ۱۷ (۳۳)
جمعه ۱ خرداد ۱۳۶۱

آهنگار

در تبعید

AHANGAR

No.17(33) 11 JUNE 1982

امام جلادان:

نجات دهید اسلام عزیز را از خطر صلح!



سعد زیاپی

وقتی که صلح به خطر می افتد!



- مرشد .
- جا نم بچه مرشد .
- هیچ میدونی که با پس گرفتن مشهورا ز عراقیا ، صلح چها نیس
- خطرا فتاده ؟
- معلومه که به خطر میفته .
- از کجا ش معلومه مرشد ؟
- از اینجا ش که با پس گرفتن مشهر ، فاشه جنگ ایرا نو عراقی
- خونده س وهمین روزا س که تو بیها از صدا بیفته .
- خب اگه بیفته کجا ش واسه صلح چها خطرنا که ؟
- اینجا ش که دیگه جنگ نیس و اگه جنگ نباشه ا سلحفا صلحه
- فروشا با میکنه و وقتی با دکرد ، تولیدش میخوای به ، وقتی تولیدش
- خوا بیجا و نوقت کارگرا ش بیجا ر میشن ، و وقتی کارگرا بیجا ر شدن
- سرو صدا شون بلند میشه و رژیم های میریا لیستی به خطر میفتن ، وقتی
- به خطرا فتاده ، ناچارنیه جنگ دیگه دریه جای دیگه از دنیا درست
- کنن . وقتی . . .
- مرشد جان ، شیر فهم شدم ، اونا هم از همین جا لایرا یا بیکنه لقمه
- را دور سر شون نگردوشن ، در اینه کشورها منطقه تفهیم میکنن که صلح
- به خطرا فتاده و برای حفظش با پد هر چی پول دارن میدن اونا واسلحه
- از شون بخرن .
- با رک الله بچه مرشد ، داری کم کم سر دنیا فتنی .

* * *

- مرشد جان .
- بگو جا نم .
- حجت الادبیا ر "خام ننه ای" گفته که "هیچیک از قدرتهای جهانی
- در طول جنگ ایرا نو عراق بر ما منتی نداشتند" . منظورش چی بوده ؟
- مگه قراره منتی داشته باشن ؟
- منظورش این بوده که اگه آمریکا پولها ی توقیف شده را پس
- داده ، اگه اسرائیل اسلحه به جمهوری دیا فروخته ، اگه
- انگلیس نانک اسکورپیون فروخته ، اگه فرانسه ناوچه ها رویه اونا
- داده ، و خلاصه اگه قاچاق فروشا ی غریب احتیاجات نظا میرونا میشن
- کردن ، برای حفظ منافع خودشون بوده ، کما اینکه تا لیبوشون هم
- قرار داده میلیا رد دلار ی بست و منافع "شیرین" تا میشن . بنا بر
- این ، درازی شاخه نمیه پهنای ما خا نمدر ، اینا به یه طرف ، طرف
- همین مدتی هم که این کمکیا رومیکردن ، به اندازه ۱۶ تا شاخه برایشون
- چپ کشی کرده .
- با پس اینا قاخا مننه ای حرفها ی صا بی هم میزنن .
- آره ، میزنن . ولی یادت باشه که شاه هم از یه طرف شوکر جلغه
- به گوش آمریکا و انگلیس بود ، از یه طرف هم برای اینکه به ملت بکه
- مستقل و ضد غریبه ، مرتب تو سر غریب میزد که "شما تشیل و تن بسرو رو
- مفت خورین" . یعنی به خیا ل خودش نعل و ارونه میزد .
- ولی مردم که کلاه سرشون نرفت .
- خا لاهم نمیره . وقتی تو بچه نیم و جیبی کلاه سرت شه ، میخوای
- مردم با هوش ایرونی که یه عمره همه رنگ شوکر خا رچی به خودشون دیدن
- کلاه سرشون بیره ؟
- ولی اینا که نیتشون این نیس که کلاه سر مردم بذارن .
- پس نیتشون چیه ؟
- نیتشون اینه که عمامه سر مردم بذارن .

غزلیات خمینی

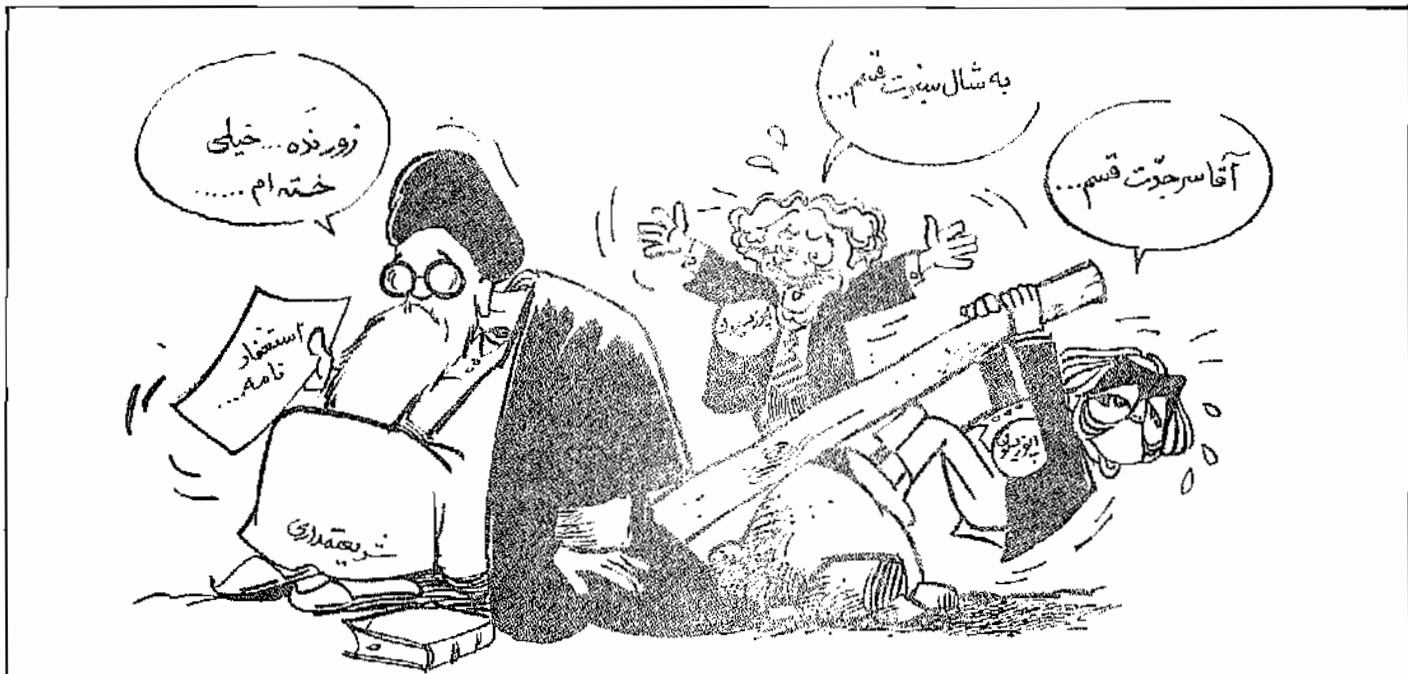


بنا زم به خوش رقصی پا سدا را!

بیا ورشای که حال آورد
 بده خون پیرو جوان ، جام جام
 درخت فقیهان به خون آب ده
 بنازم بد خوش رقصی پا سدا را
 مرا روی عمامه ، تاج طلا
 مرا وجهه آورد جنگ جنوب
 ز نسل شفا دم چه کوشی که خلق
 بگوتا بگریند امت همه
 به نثر زوجاتی جوابش دهیم
 زبا نجز مشفت نداشت دشمن
 بکش هر مبارز که آتد بچنگ
 اما ما ، از آن ترسم اکنون که خلق
 بشورد ، سرت در جوال آورد
 "راوی - ایرج میرزا یسر"

کلمات قصار علما یا علام

آیت الله خا ل خا لی : تاج وز به دختر با کرده قبل از اعدام صدا لبت
 بهتر است تا بعد از اعدام .
 آیت الله کربنده : در تمام طول تاریخ جمهوری اسلامی هرگز
 رهبری به عطفوت اما خمینی در ایرا نو وجود نداشته است .
 آیت الله وزیر جنگ : وزارت جنگ در زمان سلسله خا شن پهلوی
 یک وزارت تن پرور و بیگانه ای بود ، اما از ابتدا ی کشف جمهوری
 اسلامی تا به امروز ، این وزارت به یمن وجود اما خمینی ، بطور شبانه
 روزی مشغول جنگ با داخو خا رچ بوده و برای هر نوع جنگی اسلام
 آما دگی میکند .
 آیت الله وزیر بهداشت : خون گرفتن از محکومین به اعدام کما ملا
 بیهوشی است چرا که اولاً رسم خون گرفتن ، چه به طریق تیغ زدن و چه
 بطریق با دگش کردن ، یک سنت اسلامی و شرقی است و این خودش تولید
 صلاحتی میکند .
 آیت الله وزیر اشراف : حاکم شرع حکم پدرا خا نوا ده را دارد .
 اگر حکم پدرا خا نوا ده میگذرد ، مثل همه پدرا خا نوا ده
 است ، که بچه اش را تشبیه میکنند با ادب با رباید .
 آیت الله وزیر علوم : اینها نی که میگویند علم مترقی است و دین
 ارتخا عی ، مگر چشم نداشتند که در جمهوری اسلامی هوا بیما که علم است
 سقوط میکند و مردم را میکشد ، اما را دیوی اسلامی که دین است انقلاب
 ما را به رهبری ما ، تا مدها هزار مگا هرتس ما در خوا هد کرد .
 "الفحیم"



از آهنگری تا آفتاب‌سازی!

روزی که آهنگری آزاد شد و آهنگری با شی "آهنگر خانه‌بازگه" را راه انداخت، تصمیم دوازده جوانها بر شور هم که ذوق آهنگری داشتند، به کمک او آمدند و به دیدن کوره پردها رفتند.

در میان اینها گرد آهنگرها یک "شیرممد" هم بود که پیش از همه جوش و جلا میزد و حتی شبها هم پای کوره میخوابید که نصفه های شب کوره را بدمد و گرم نگهدارد.

هنوز یک هفته از باز شدن کوره ها نگذشته بود که رونق آهنگرها نه و داس و بیبل و کلنگ و چکشها شی که میساخت، سفالگرها را که مخالفاً سرسخت‌جنعت آهنگری بودند، عیبانی کسرد و تعرض به کارگاهها را شروع کردند اولین کارها را طبعاً شکستن درو شیشه کارگاه بود تا زهر چشمی از آهنگرها شی گرفته شده باشد اما آهنگرها شی با مرمت درو شیشه کارها را ادامه داد. اینبار سفالگرها ریختند و کارگاهها را با خاک یکسا نکردند. آهنگرها شی هم که از رونق میرفت، کار را به زیر زمین خانه اش منتقل کرد و ساختن آهن فزار را ادامه داد و کارها را آنجا پیش رفت که دشمنان آهن دیدند، با آنکه کارگاه تعطیل شده، محصولاتش بازار را پر کرده و هر کسی را که می بینند مجهز به داس و بیبل و کلنگ و چکش است.

سفالگرها، که تما دفا از سفالگری فقط لوله‌نگ سازی را بلد بودند، برای تعطیل کردن

آهنگرها نه عقلها یشان را سرهم کردند و به اینجا رسیدند که بیرون پیش حاکم شروع از او بخوابند که جلودر و مصرف آهن آلات را بگیرد. حاکم شروع هم که اولایا فلز جماعت میانه ای نداشت، دستور صادر کرد که از فردا توزیع و فروش آهن آلات ممنوع و مصرف آن حرام اعلام شود و در خانه هر کسی که آهن پیدا کردند، به عنوان ملحد اعدام می کنند.

از فردای آنروز هم بکبیر و بندش شروع شد و آهنگرها شی ناچار شد موقتاً تولید را قطع کند، ولی طبعاً کوره روشن مانده بود.

با تعطیل آهنگرها نه شاکر آهنگرها کارگاهها ویدیگری به عنوان فلز کار ریور یخته گری و چدن کاری و غیره آفتاب کردند تا مردم را از مضیقه آهن در بیارند اما این کوشش هم فوراً از طرف دشمنان آهن آلات با عکس العمل شدید مواجه شد و نه تنها کارگاهها را بستند، بلکه هر چه آهنگرگیر آوردند کشتند.

از میان نا شاکر آهنگرها، عده ای که به حق نیت آهن عقاید داشتند، خودشان را به شهرهای خارج رسا نند و تصمیم گرفتند کارها را با کارآموزی در صنعت ذوب آهن و فولاد سازی دنبال کنند تا بتوانند این بار نه با کارگاه کوچک آهنگری، بلکه با کارخانه عظیم ذوب آهن وارد معرکه شوند.

اما از این میان، شیرممد

یک روز گدا رش به بازاری حلیبی سا زها افتاده بود و اوستا نور الدین آفتابها زقا نغش کرده بود که فکر آهنگری را از سرش بیرون کند و بیرون پیش او آفتابها سازی را بگیرد چون هر چه با شد آفتابها زحلیبی است و حلیبی هم از آن.

حاجا چند وقت است که شیرممد در "دکان" آفتابها سازی اوستا نور الدین با نام "آسید ممد" مشغول کار شده و وقتیکه از شیرممد می پرسد "توبه آهنگری علاقه داری، چه شده که آفتابها سازی شده ای؟" میگوید "درست است که آفتابها سازی آهنگری نمیشود، ولی چون برای حاکم شروع آفتابها میسازم، زیر چتر حمایتی او رفاقتش با اوستا نور الدین، دارم طرحی می ریزم که از حلیبی داس و بیبل و کلنگ و چکش بسازم.

میگویی پسر جان، آخربا حلیبی که نمیشود چکش و بیبل و کلنگ و اینچنین چیزها ساخت، حدش همین است که تا آخر عمرت مثلاً اوستا نور الدین بسرای شیخا دق و شیخ حسین و شیخ روح الله آفتابها سازی، ولی جواب میدهد که "من با اوستا نور الدین کار نمی دارم خودم یک روشی پیدا میکنم که از حلیبی چکش بسازم. میگوئی آخربا چکش که از حلیبی ساخت، همان به درد تو و اوستا نور الدین می خورد." و جواب میدهد "با لایحه

هر چه با شد شکل چکش را که دارد حالا گرم نشد کارهای آن انجام داد مهم نیست. بگوید معروف وصف العیش نصف العیش". این روزها آسید ممد را که ببینی، اوستا نور الدین شیخ ریش بر پشتی گذاشته و در آفتابها سازی مشغول شده و با آنکه می بسازد لوله‌نگ سفالگرها بسیار بیشتر از آفتابها سازی و آب بر می آید، به دلش بد نمی آید و معتقد است با لایحه یک روزی آفتابها سازی و بازار لوله‌نگ را شکست خواهد داد.

می پرسد "آنها مسما ت برای آفتابها سازی و بیبل و کلنگ و چکش حلیبی چه شد؟" جواب میدهد "موقعی نیست مگر نمی بینی روزی چند نفر را به جرم داس و بیبل و کلنگ میکشند؟ حاکم شروع حتی نسبت به شکل این ابزار هم حساسیت دارد، وانگهی خودت که گفتی چکش حلیبی کار چکش آهنی را نمیکند، پس چرا آدم بیخودی خودش را به خطر بیندازد و تا از چیزهای بسازد که بکار نیاید، نه تصمیم گرفتار همین صنعت آفتابها سازی را ادامه دهد، بخصوص که اوستا نور الدین به عنوان لوله‌نگ دار میا لشیخ روح الله مفتخر شده و تر تیبی داده است که از زهره با رکه شیخ از لوله‌نگ استفاده میکند، بکبار هم را مفتخر به استفاده از آفتابها سازی کار خود ما نکند."

اطلاعیه

انتشارات شما

(ناشر ممنوعه ها، مقاومت و آهنگر در تبعید)

و جدا اشتراک مقاومت و آهنگر هر کدا م به ترتیب زیر است:

انگلیس و اروپا:

- ۱۲ شماره ۵ پوند
- ۲۵ شماره ۹ پوند
- ۵۰ شماره ۱۶ پوند
- دیگر جاها (با پست هوای):
- ۱۲ شماره ۶ پوند
- ۲۵ شماره ۱۱ پوند
- ۵۰ شماره ۱۹ پوند

لطفاً چکها و حواله های بیستریا بنام "SHOMA PUBLICATIONS" صادر و به نشانی ما که در بالای صفحه آخر همین شماره ذکر شده است، ارسال فرمائید و یا به حساب بانکی ما:

SHOMA PUBLICATIONS
C/A 80794929
BARCLAYS BANK LTD,
43 SOUTH END ROAD,
LONDON N.W.3
ENGLAND, U.K.

واریز نمائید. کمکهای مالی خوددیه مقاومت و آهنگر را نیز به یکی از طرق بالا به ما برسانید

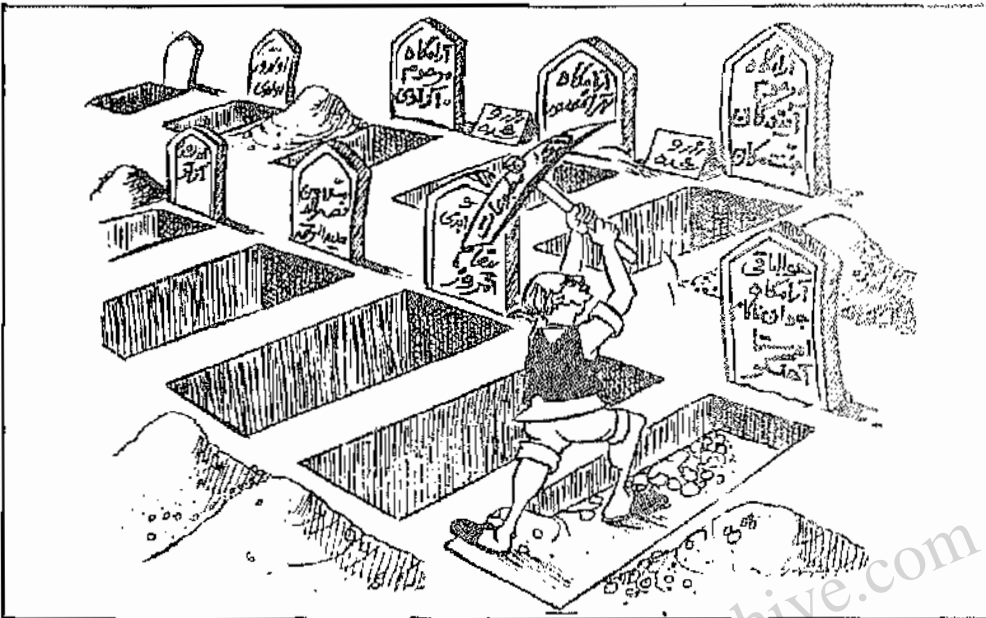


آهنگر

۲۲ خرداد ۱۳۵۸

سال اول شماره ۸

این صفحه بخش دوم از برگزیده
مضامین آهنگر شماره ۱۷ است که
پس از قیام ۵۷ در تاریخ ۲۲ خرداد
۱۳۵۸ در "بهار آزادی" در تهران
منتشر شده و اکنون به عنوان
ضمیمه مجانی شماره ۱۷ آهنگر
در تبعید "تقدیم خوانندگان
کرامی میشود."



... عمو مرشد
... جانم بچه مرشد
... شنیدی اساتذدار خوزستان چی کرده ؟
... نه ،
... کفنه کشت و گشتار روزهای آخر
... خرمنشهر و آبادان به این خاطر بود
... که زوزخیش دو مرتبه از دور و اطراف
... خلیج فارس عبور کرده .
... خوب ، نظرت چیه برجه مرشد ؟
... من از تو سؤال میکنم یا تو از من ؟
... راستش ، در اینکه اساتذدار خوزستان
... آدم معتبریه و تا چیزی را بند چشم
... ندیده باشه نمیکه ، سگی نیست ، ولی
... گمان میکنم جناب تیمسار به ملت بعد
... مسافت قیافه را بدرستی ندانسته
... تشخیص بده ز زوزال شوهرز آریهائی
... را بجای زوز حبش عوضی گرفته و آن
... حضرت نه فقط از دور و اطراف خلیج
... فارس عبور کرده بلکه به روایتی همین
... الان در تهران و اداره کار با و کارگردانی
... میکند .

... خلدناش کن آخونده ، این حرکت
... بنا چه می آموزد ؟
... این حکایت بنا می آموزد که :
... آب در گور و مسا تشنه لیا میگردیم
... یاردر خانه و ما دور جهنم میگردیم
... سد عای ختم را بیخون و بریم ، آخونده
... خداوندنا تعالی بیخون اسلام را
... شغای عاجل حمایت فرما ، آمین یا
... رب العالمین .

ستون راوی

... راوی میگفت در جلسه ای
که جمعی از زعمای قوم " وارداتی"
حضور داشتند پیرامون سخنرانی و
مصاحبه مطبوعاتی جناب آقای طومار
زاده هم صحبت میکردند و همه بکدل
و یک جان باین همه شهادت و از جان
گذشتگی ایشان درود میفرستادند که
در یکی از پاراگراف های فرمایشاتشان
در پاسخ یکی از خبرنگاران فرمودند :
... من بهیچوجه قصد کنارگیری
ندارم و استعفا نمیکنم .

یکی از حاضران جلسه لبخندی
زد و گفت : " آقای معینیان ، و هویدا
و شاه هم قصد نداشتند "

... راوی میگفت در جلسه ای
بودم و صحبت بر سر این بود که چرا
بخش موسیقی بوسیله اجرا کنندگانش
(نوازندگان) در رادیو آزاد است
ولی در تلویزیون نه ، به عبارت دیگر
چرا بخش موسیقی از رادیو " حلال"
است و از تلویزیون " حرام " مستعی
در میان جمع بود . گفت :
گناه از " فاعل " است نه (مفعول)
هیچوقت " ساز زن " ناپاست دیده
شود ، بلکه باید فقط صدای سازش را
از دور شنید که فرموده اند :
" آوازدهل شنیدن از دور خوش
است "

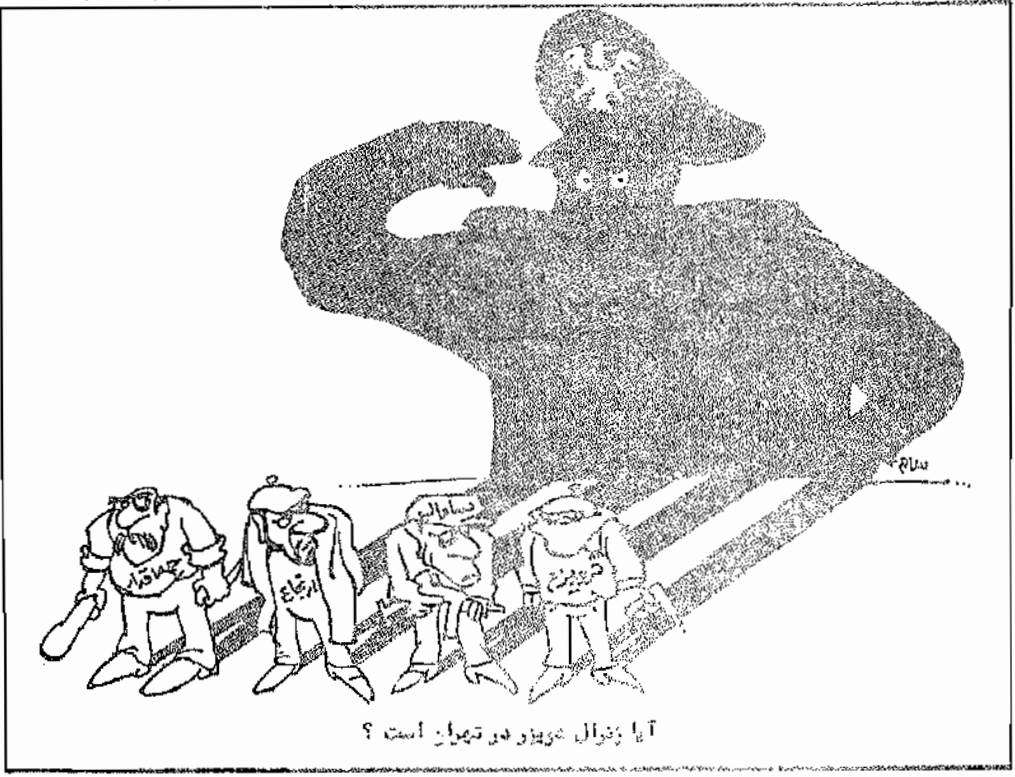
یکی از امضا کنندگان طومارهای
فرمایشی در جلسه حاضر بود و گفت :
خشک سیم و خشک چوب و خشک پوست
از کجا میاید ، این آوای دوست است ؟
... راوی اضافه کرد در همان
جلسه بودم که یکی از اهل مجلس
بشکن زنان و (ترقص) کنان بهیاخت
وزیر لب خواند :
سال اول قطب الدین و سال دوم قطب
الدینو
سال سوم گر بعاند قطب الدین حیدر شود

کشف پاکسندتکان دهند در حوالی پاریس

ساییده ، دانی روزنامه آهنگر در خاک پاک فرانسه هفته گذشته نامهای
از طرف یکی از کارگران شهرداری قصه نویسی لوشاتو دریافت کرد که از نظر
اهمیت مساله ، آن را عیناً " بدون هیچ اظهار نظری برای ما فرستاد . و ما نیز
بدون هیچ اظهار نظری نامه مربوطه و بیوست آنرا به نظر شما می‌رسانیم .

" موسی و آرشتر :

... " به استعمار عالی می‌رساند در یکی از روزهای چهار ماه گذشته ،
... پیروز دصخر ۳



جناب آقای داریوش فروهر

وزیر موقتا " محترم کار و امور موقتا " انقلابی

با توجه به اینکه دولت مقتدر موقت ، اساس کارها را بر مشارکت با مردم قرار داده و در همه شئون از کار ارتش گرفته تا پلیس و شهرداری مالیات‌ها و ترافیک و غیره ، نظر مردم صاحب نظر را کاملا دخالت می‌دهد و از پیشنهاد های افراد مصلح حسن استقبال می‌نماید ، اینجانب به دنبال پیشنهادی که در هفته پیش در مورد گماردن اشخاص بیکار در مشاغل جدید تهیه کرده و ارسال داشتم و سخت مورد توجه هم واقع شد ، اینک پیشنهاد اساسی دیگری در حدود طرح طبقه بندی مشاغل جدید و تعیین حدود و نظام صنفی ارائه می‌دهم و اطمینان دارم با به کار بستن پیشنهاد اینجانب ، بسیاری از مشکلات فوری که بیکاری جوانان تحصیلکرده بر طرف شده ، نظام بی نظمی ها و مزاحمت ها گرفته خواهد شد . اینک پیشنهاد قانون نظام صنفی مشاغل جدید برای تحصیلکرده ها :

ماده ۱ - جوانانی که زیر سایه توجهات و رجعات و راهنمایی های خردمدانه وزارت کار و امور اجتماعی و سایر دستگاههای دولتی ، الحامد لله و الهه در مشاغل هامرکز فروشی ، بافالی فروشی ، میوه فروشی و غیره اشتغال پیدا کرده‌اند به طور کلی به دو طبقه اصلی تحصیلکرده های علوم انسانی و اجتماعی مثل اقتصاد ، حقوق ، مدیریت ، ادبیات و غیره و علوم دقیق مثل ریاضیات ، مهندسی ، پزشکی ، فیزیک و شیمی و غیره تقسیم می‌شوند .

تصوه - در این تقسیم بر خلاف رسوم طاغوتی گذشته ، بهیچوجه ضوابطی نظیر ارجحیت تحصیل در خارج ، پذیرفته نخواهد شد .

ماده ۲ - با در نظر گرفتن کلیه تجربه های تاریخی و علمی و عملی ، تحصیلکرده های علوم انسانی به ترتیب زیر حق اشتغال خواهند داشت : الف) دارندگان مدارک تحصیلی دکترا و فوق لیسانس و لیسانس در رشته های ادبیات ، ربان ، زبان شناسی ، ادبیات تطبیقی ، زبانهای باستانی و رشته های مشابه در مشاغل :

گوجه فروشی ، چغاله بادام فروشی ، سبزی خوردن فروشی ، نخمه و مشغولیات فروشی ، آدامس و سیگار و بستون فروشی ، بافالی بخند فروشی و نظایر آن .

تصوه - دارندگان درجه دکرا ، در رشته فروش توت فرنگی سورانه و دوغ عرب و بستنی و آلاسکا حق تعدد خواهند داشت .

ب) دارندگان مدارک دکترا ، فوق لیسانس و لیسانس در رشته های حقوق ، اقتصاد ، مدیریت بازرگانی و اداری ، علوم سیاسی ، روابط عمومی و روزنامه نگاری ، فلسفه ، جامعه شناسی و نظایر آن در مشاغل :

روزنامه فروشی ، کتاب کهنه فروشی ، عکس و پوست انقلابی فروشی ، کاست و نوارهای انقلابی فروشی ، راهنمای گنگور و فوق العاده معافیت نظام وظیفه فروشی ، دفترچه آئین نامه آزمایش رانندگی فروشی ، تصنیفهای جدید فروشی ، فالنامه فروشی ، و نظایر آن .

تصوه - دارندگان درجه دکرا در این دسته ، مجاز به فروش کتابهای جلد سفید در کنار خیابان خواهند بود .

ماده ۳ - تحصیلکرده های رشته های مختلف علوم دقیق به ترتیب زیر حق اشتغال خواهند داشت :

الف) پزشکان ، دارو سازان ، دامپزشکان ، دندانپز ، نان ، فارغ التحصیلان رشته های بیواپزشکی ، ریست شناسی ، علوم طبیعی ، بهداشت ، علوم آزمایشگاهی ، ماباثی ، بیهوشی و نظایر آن در مشاغل :

انواع ساندویچ گرم فروشی ، هامرکز فروشی ، لوبیا پخته فروشی ، قصابی سیار ، لوبو فروشی (در فصل مربوطه) ، جسفیل فروشی ، شامی کباب و کتلت فروشی ، کوکو سبزی و کوکو سیب زمینی فروشی دل و جگر فروشی و نظایر آن .

تصوه ۱ - کلیه فارغ التحصیلان رشته های مختلف پزشکی مجاز به استفاده از گاری دستی و کالسکه و احياناً " کاروان " خواهند بود و تقیه تحصیلکرده های این گروه تنها حق استفاده از سینی و مجمعه خواهند داشت .

تصوه ۲ - قصابی سیار تنها در انحصار پزشکان منحصص جراحی و دل و جگر فروشی فقط در انحصار پزشکان متخصص بیماریهای داخلی خواهد بود .

ب) مهندسان رشته های مختلف ، آرتستیک ها ، فارغ التحصیلان رشته های فیزیک ، فیزیک انسی ، شیمی ، زمین شناسی ، ریاضیات ، کامپیوتر ، برق و مکانیک ، نساجی ، کشاورزی ، معدن شناسی ، نعت و نظایر آن در مشاغل :

ساندویچ سرد فروشی (از قبیل نخم مرغ ، کالباس ، نان و پیرو گوجه فرنگی ...) ، بستنی و نوشابه فروشی سیار (با چرخ و گاری دستی) ، خرت و برت فروشی یا نرخ معین (از قبیل هر چی بخوای یک تومن) ، کاسه بستاب فروشی و نظایر آن .

تصوه - فارغ التحصیلان این گروه ، علاوه بر مشاغل فوق مجاز به تصدی مشاغل خدماتی سیار از قبیل چاتو تیز کی ، چینی بند زنی ، تعمیر بخاری و آبگرمکن و کولر آبی ، صافکاری ماشین کار با سانس ، کلید قفل سازی ، سن سفید کی و نظایر آن هستند .

تابوهای کوچک بدون قاب

که دلشان میخواهد از زندان بیرون بروند و بد بگذرانند .

بعضی ها داخل گود ایستاده اند و بعضی ها در بیرون گود و ... هستند . گمانیکه اساساً " نمیدانند " گود " چه معنائی میدهد .

تمدن و اخلاق مردم آن جامعه ، آنقدر پیشرفت کرده بود که وقتی کسی میخواست به بدری برود ، قبلاً " صاحب خانه " مورد نظری را از طریق وسایل ارتباط جمعی ، با خبر میکرد .

برای آنکه حکومت نظامی ، بنحو کامل اجرا شود ، برنامه های تفریحی تلویزیون را افزایش دادند .

از وقتی که در آن شهر اعلام شده است (هیچکس حق ندارد ، بدون کسب اجازه رسمی از خودش انتقاد کند) بسیاری از شهروندان فرصت طلب با توسل به این و آن ، توانسته اند از حود انتقاد کرده و در این زمینه نیز از دیگران جلو بیاقتند .

برای آنکه فاصله طبقاتی را از میان بردارند ، تمام آن فاصله را با توپ و تفنگ ، تزیین کردند .

آنقدر خودش را هم رنگ جماعت کرده بود که دیگر دیده نمیشد .

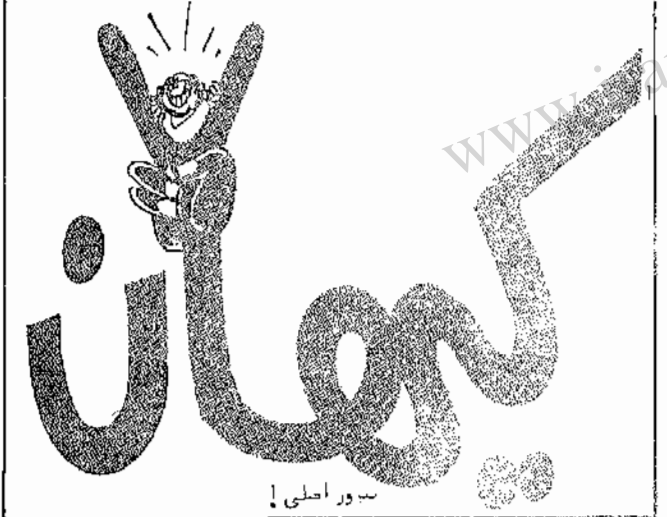
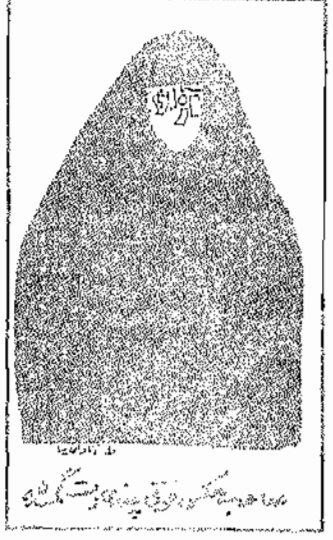
در آن جامعه ، مردم را بدون دریافت پول ، و با آسانترین شیوه ، هم رنگ جماعت میکردند .

اجتماعات مهل الهضم

فساد آنقدر در آن جامعه ریشه دوانده بود که وقتی خراشند ، فساد را ریشه کن کنند ، تمام اندام جامعه ، ترک برداشت و سر ریخت .

بعضی ها پول یاد آورده را در بانکها میگذاشتند تا باد آتینا را نبرد .

در آن جامعه ، آزادی و اعتماد آنقدر زیاد بود که هر یک از زندانیان یکدسته گلسد داده بودند تا هر وقت



ماده ۴ - فارغ التحصیلان رشته های سری از قبیل هنرهای دراماتیک ، موسیقی ، تئاتر ، پیش ترانین و هنرهای تزیینی ، فعلاً " ول معطلد ولی تا تعیین تکلیف قطعی " می‌توانند به این مشاغل اشتغال ورزند :

حاشی " میوزی ، نوازندگی سیار ، استخدام در بنکهای شادمانی ، عنوان کنار خیابانی ، رخ و غ صاحب فروشی و نظایر آن .

تصوه - در هر رشته ای که شاغلین مشاغل سیار ماده فوق ، نظیر حاجی میوزی و نوازندگی سیار ، تظاهر به نابینایی کرده یا اقدام به تکدی با سده مهر در پیاده رویا وسط خیابان نمایند از ادامه شغل آنان خطری به عمل خواهد آمد .

ماده ۵ - در همه مواردی که دارندگان پاسبی نر از لیسانس ، یعنی فوق دیپلم و دیپلم ، می‌توانند زیر دست شاغل اصلی ، بعنوان آسپستان به کار اشتغال ورزند .

ماده ۶ - هر گونه حملات از حدود صنفی مزبور و ایجاد مزاحمت برای صاحبان مشاغل دبیر از طرف گروه های تحصیلی غیر مجاز ، موجب مجازاتهای شدید از ده سال ، مدان تا اعدام خواهد بود . والسلام علی من التمه الهدی

چالدی ملت غلبه

طهران

ترکی (آذری)

چالدی ملت غلبه شاه گکندر اولدو آبالام
دئمه نهضت قوتاریب بیر تهر اولدو آبالام
نه قدر حلقه ی زنجیر ده دیرال قولمووز،
غالبیت چاغینا وار در هلسه جوق یولمووز،
هله شاهلار دولسو دور هم ساغیمیز هم سولمووز
سانما ظلمت چکیلیب خوش سحر اولدو آبالام،
عجب آزادلیتمیز پر ثمر اولدو آبالام

هله ده شاهمار ایلانلار آلیب اطرافنی همان،
ظاهری خوش خط و خال باطنی جلاد کیمی فان
فرصت آردینجا گزیر وورماغا ضربت دالیدان،
سویلمسه دشمنیمیز دریه در اولدو آبالام،

ضربه میزدن رضائین چشمی تر آبالام
قوی آچیلین هامیسا دوستلوق اوسان آلریمیز،
توب داغیتماز قلعه تک با هم اول سنگریمیز،
پا را شاهلار صفینسی شعله ساچان خنجریمیز،
اوندا ملت دئیسه جک گور نه لر اولدو آبالام،
وحدتیندن بوانلین شاه گندر اولدو آبالام

نه قدر آمریکانین سمنایب ایراندا بئلی،
نه قدر بانیلریسن واردی سیاستده الی،
آیت الکمرسی ایله آرزو لار اولعاز عملی،
الینی و ثرالینه کارگر اولدو آبالام،
رنجبر، دانشجو و پیشه ور اولدو آبالام

آجاخ اوزدن نقابین در باری ملت تانیسین،
شاه خیانتلسه گکندن یوللاری ملت تانیسین،
خلیفه جمیل اولوسان سرداری ملت تانیسین،
الده شعیر هجوسا، بنوهر اولدو آبالام،
اوندا فریاد ائلیفک شاه گکندر اولدو آبالام

شاه گکند بیدر هله لیک سایه سی ایراندا قالیب،
اونا تعلیم ائلیسین دایه سی ایراندا قالیب
کهنه قانو نلاری نین مایه سی ایراندا قالیب
بیزه بوشلار از لیندن خطر اولدو آبالام،
کینه لر ایندی یانیب شعله ور اولدو آبالام

دوزدو روز سه کیسی جانسلار آغیر اشکنجه لره،
تو کسدی جلاد قانینی مین شهیدین کوجه لره،
باخیر ایندی بوغوزیندن پاپیشان پنجه لره،
دئییر ایران بیزا چون بی ثمر اولدو آبالام
داهسا ملت آیللیب خیره سر اولدو آبالام

عاصی گیلانی

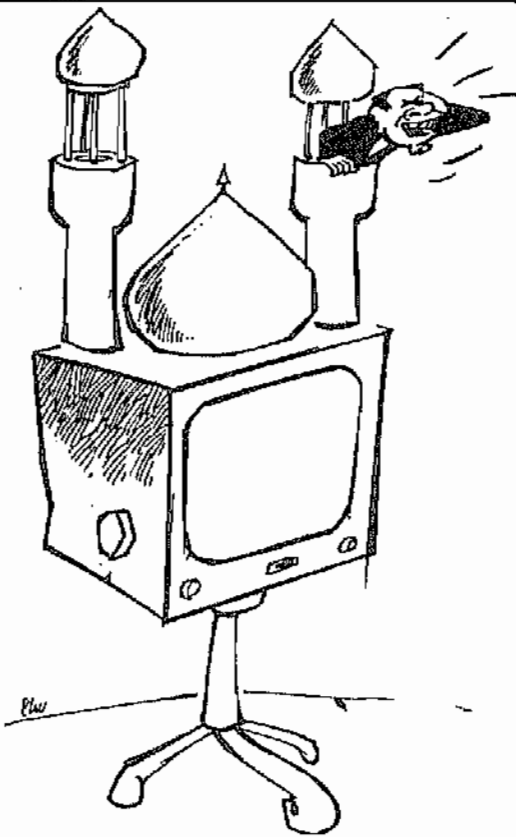
بیچار

مه هروقت یاد، هنه "لیله کو" جاده
زن-آ، کتونه اینم، پای پیاده
جوان و پسر، یکجا، دسته دسته
شون، جای باغ-تون سر، بی افاده
بیچار، امسال برنج نئوده، بوسه
امه اقبال، بوشو، دمر بخوته
بگین آرباب بی انصافه، امسال
امه جسی، هنگیره، زاکونه فوتسه

دوزدپچا

گیللی:
"دریاچیری"

کهدی دوشمن کرایول واسلحه فاداندره
بیچایم دونبه بیده مویمو کودا ندره
همکی خب دانئیدی دوشمن مملکت کیه؟
جفلان واورسیدی، پس ده اوس، اودس چیه؟
ملت یولاکی بغما بوکوده؟ ... کورا بوشو؟
اونهمه ثروت رهستی چطوشی چیوبوبو؟
مردمان خب دانئیدی قبله دوزدان کورا یا
همه جا جو دره که دزدان جا آمریکا
نعل واورونه زن به خودی-مردوم دانئیدی
همکی عاقله دی-تی دستانا، خب خوانیدی
ای که می خلق مرا دوشمنی، دهوایسه
نواچن دوز و کلک مردمه ره ریا بسه
تی دیما نقابجیر، جگاندن، خب دانئیدی
اونقا با، جفلان تی دیمه جا، اوسانئیدی
توبه هر شکل و شمایل که باشی دوز بهیجا
اربابسه زنگولما ویزاسه، تی گردنه جا

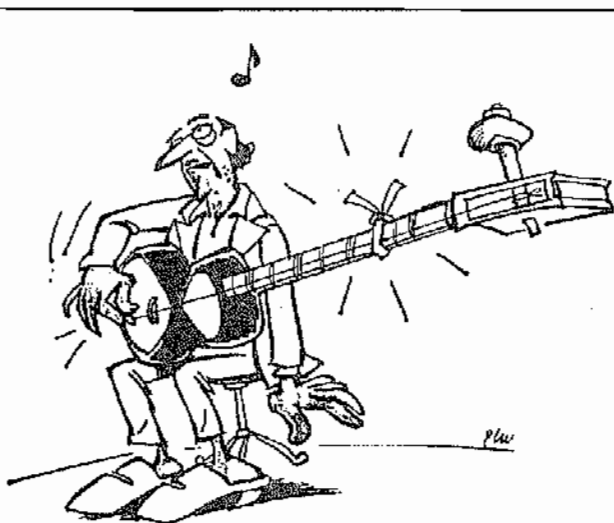


بیاد استاد دهخدا

استمداد

ای خلق ستمدیده کجائید؟ کجائید؟
بند ستم از پای قلم ها بگشائید
گر بیشتر از این زخدا بیخبرانش
آزار دهند، (ای همه) مسئول شما نئید
اسلام کجا و ستم عده اوباش؟
از دامن خود لکه این ننگ زدائید
با مردم نا آکه و باز بچه بگوئید:
از دایره جهل و تعصب بدر آئید
اخلاص عمل از چه فراموش نئوئید
در قتنه و آشوب چرائید؟ چرائید؟
مولای جهان، حیدر کرار، علی گفت:
یک دانه گندم ز دهانی مریائید
انگار نه انگار که اسلام صلا داد
ای قوم در اعمال کمی هم بخود آئید
اسلام کجا گفته که با حریه تهمت
آزادی انسان دگر محو نئائید؟

اصفهان - س - ع - هزار



تار وحدت!

اندوهنر آن مرد

عمو آهنگر این سلام بلند
برگی از تو برای این مخلص
در چنین عرصه ای ز دل تنگی
کیست چون تو بر آستی روز است ،
این چنین جوش خورده با مردم
غرض از عرض این عریضه فقط
این سخن مانده از قدیم بجا :
در کنار هزار عیب و خطا ،
پس یک احسنیت گویم "طوماری"
چونکه الحق در استقامت نیست
سنگ پنا در طریقی بر روی
شاه سفاک و سفله کا نهمه وقت
زود تر ز آنکه منتظر باشیم
این فشار ای عجب کتون نبود
حال طومار زاده چون میخ است
" پایداریش بیشتر گردد "
هیچ نمکین مشواز این مطلب
که سر سرکشان مردم کوب

بپذیر از من آزادتمند
به یقین بهتر از دو صدمن قند
خاطر من از تو شاد و دل خرسند
این چنین بی غل و غش و تر فند
سخت با توده بسوده در بیوند
نکته ای هست اگر کنی تو پیستند
" چون کسی را بدآوری خوانند ،
هنرش نیز در شمار آرند "
در قبال هزار و یک غرولند
بجهان آن جنساب را مانند
با بسازد خفسرش بگیرد پند
جای خوش کرده بود بر آورد ،
رختا ز این خاک خمیس خون بر کند
در بسو این جنساب نیرومند
" بر سرش هر چه بیشتر گویند "
عمو آهنگر امشو تو نژند
بگشالاب همیشه بسر لخنند
اوقصد عاقبت به خم گمبند

کشف یک مفسد ...

این جانب موسیو گاستون دووان رفتگر شهرداری قصبه نوفل لوشاتو ، ضمن جابرو
پارو کردن یکی از گوجه های قصبه که به علت ازدحام جمعیت ، خیلی کیفیت
شده بود ، کاغذی پیدا کردم که چون خیلی تمیز بود و به خط خوش نستعلیق ،
روی آن ارقام و عبارتی نوشته شده و امضای ایرانی داشت ، آنرا داخل
زباله جابرو نکرده بلکه حفظ نمودم به این خیال که شاید سند مورد احتیاجی
باشد ، و چون تا به حال کسی برای گرفتن آن مراجعه نکرد ، آنرا به شما
می سپارم که اگر صاحب ایرانی آن را می شناسید به او مسترد دارید ثواب
دارد . مثلی است معروف که می فرماید .
تو نیکی خریدی و در شاتو انداز
که ایزد توی تهرانت دهد باز
و اینک اصل سند :

بسمه تعالی

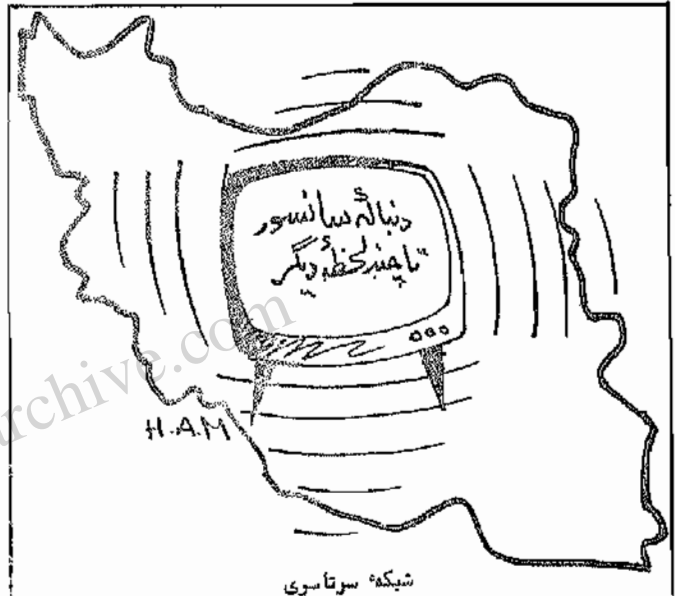
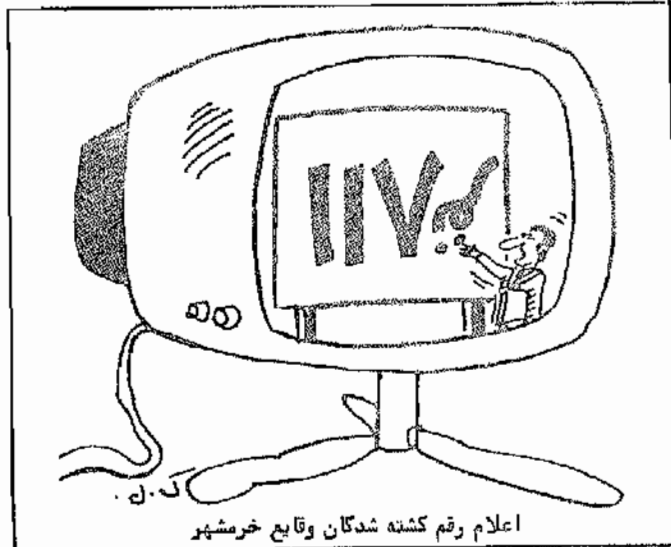
- سماهه مخارج ماهانه حقیر در شهر زانویه ۱۹۷۹ خاج پرستی :
- ۱- نیم سیر گوشت شیشک گوسفندی از کشتارگاه اسلامی الجزایر بران مع نخود و لوبیا و پیاز و فلفل و زردچوبه بقاعده
فی روزی ۲/۵ فرانک
یکماهه ۷۵ فرانک
 - ۲- نان خشک ۳ وعده در روز ، هر وعده یک چارک (توضیحا " پنیر و کره و مرها امساک میشود) .
فی روزی ۱/۵ فرانک
یک ماهه ۴۵ فرانک
 - ۳- پودر رختشویی جهت شستوی البسه و جوراب و غیره :
جمعا ۲ فرانک
 - ۴- سوژن و نخ الوان جهت رفوی جوراب و آستین پیراهن و کت .
جمعا ۱ فرانک
 - ۵- نیم تخت و پاشنه و تعمیر کفش در وجه پینه دوز سرگذر :
۱۵ فرانک
 - ۶- چای خشک درجه ۳ مراکتی و آب نبات قبیجی پاکستانی :
جمعا ۹ فرانک
 - ۷- کراوات مستعمل و کت و شلوار و پیراهن و کفش و زیر شلواری دست دوم از بازار کهنه فروشهای پاریس :
جمعا ۴۴ فرانک
 - ۸- هزینه تعمیر دوچرخه :
۲۵ فرانک
 - ۹- کرایه اتوبوس در ایام از کار افتادگی دوچرخه :
۶۵ فرانک
 - ۱۰- سهم شراکتی کرایه اتاق زیر شیروانی با ۹ تن از یاران انقلابی
۱۵ فرانک

جمع کل ۲۸۱ فرانک برابر با ۴۲۱ تومان و پنج قران

توضیح : بودجه ماهانه ۱۰۶۶ فرانک برابر با ۲۵۰۰ تومان ، الباقی ۲۵۷۸ تومان و پنج قران صرفه خوبی که تقدیم صندوق بیت المال انقلاب شد تا بعد از پیروزی انقلاب کسی نتواند لغز بخواند که با ۲۵۰۰ تومان نمیشود در تهران زندگی کرد . مادر پاریس با ۴۲۱ تومان و پنج قران زندگی کردیم و شد . و السلام علی من اتبع الهدی .

در آن شهر ، بوق زدن ، اکیدا " متنوع بود ، چرا که در هر خانه بی همیشه چندین بیمار وجود داشت .
جامعه خوشبخت و مرفقی ، آن چنان جامعه ایست که نه تولید کننده باشد و نه مصرف کننده ، بلکه فقط مرفقی باشد .

آنقدر بی گیری کردند که سرانجام موفق شدند ، آدم درستکار را نیز همرنگ جماعت کنند .
در آن شهر ، آنقدر آزادی وجود داشت که هر کسی میتوانست با خیال راحت وبدون پارتنی بازی ، فاسد شود .



از : - یوسفی

الای طوطی

" الا ای طوطی گویای اسرار
مراشد مشکلی اینک ، پدیدار
که نشانم وفادار از رساکار
سرت سبز و دلت خوش باد جاوید
که خوش نقشی نشودی از خط یاز "

که بعد از انقلاب این ملک ایران محیط شک و تردید است آسان
که مردم گشته اند از هم هراسان نکرده " موضع " خود را نمایان
سخن سر بسته گفتی با حریفان
خدایا زین دما پسرده بر دار

نه آوایی ز تاری ، نه ربایی نه از افکار مردم باز تابی
به هر کاری بود آخر حسابی تو که گفتی که کردی انقلابی
" بروی ما زن از سافسر گلایی
که خواب آلوده ایم ای بخت بیدار "
جوانان وطن امروزه هر چند به ترساک و هروشینند پابند
در میخانه هسار چونکه بستند به صد اطوار و عشوه باشکروند
" از آن آقیون که ساقی در می آنگند
حریفان را نه سرما ند و نه دستار "

مردم انتقاد ، ای مرد ، بشنو سخن از " ملت " خون سرد بشنو
از این راه غلط برگرد ، بشنو گذشت آن روزگار فرد ، بشنو
" بیا و حال اهل درد بشنو
به لفظ اندک و معنی بسیار "

بدان که بنگه دنیا دشمن ما است بهر گوشه از او صد فتنه برخاست
بهر کاری به تدبیرش کلک هاست ز جور انگلیس آشوب برپاست
" بت چنینی عدوی دین و دلهاست
خداوند دل و دیدم نگه دار "
اگر در زمره احرار هستی نپاسد داد بر هر دست دستی
تو که بند گران از پنا گستی اگر آزاده و بهسار هستی
" به مستوران نگو اسرار هستی
حدیث جان مگو با نقش دیوار "

الفهرست المقات الاجنيه في لسان العلماء الاسلاميه

اشرفتم بيت الله العظمي الكعبة المذكرة

هو موفا بر Homo faber

نوعی انحراف از آیین شرع منور در امر ترا و جود تا خل است که حکم آن مذبح و کوفت در هر صبح جمعه می باشد .

اوما تیسیم Humanism

هما تا اصل فلسفی "ا بننا هما نی" یا تدبیه معنی ترده شخص از قبیله خویش و علامت بنگه "ا و از ما نیست" و فی الجمله احکامش همان احکام می باشد .

ایدهآل Ideal

یکی از آل "ها" مشهور فرنگ که بزرگ آن "ایده" نام داشته و در دینی با "اهل" ما تریبال "که پیش از این از آن سخن گفتیم شهره خاص و عام بوده است .

انتلکتوئل Intellectual

در نزد علماء اهل مسیح لغت تخفیف و تحقیر است برای سر شکسته کردن افراد مکلاد مورد استعما لی نظیر لغت "انچوچک" در نزد علماء ما دارد .

ماکروسوسیولوژی Macro sociology

حرفه افراد مکرکننده ای است که گوشت خنذیر در داخل استوانه های لاسنیکی نما بند و دریا زار عرضه کنند که فی الجمله خوردن آن نامرغوب است .

مکانیسم Mechanism

طرفدار ریو تعلیق یا طریقه "مکان" و بطور خاص "مکان تولد" باشد که در لغت فرس از آن تحت عنوان "ملی کرایبی" یا دکنند و حکم آن جلای وطن باشد .

مقد و لویزی Methodology

نام ووشن از متا سیرزنا دقد که حکمشا نزد علماء مسیح همچون کلمه یونانی نوا بولمیب نزد امت معطقی است .

میکروسوسیولوژی Micro sociology

همان گوشت خنذیر تولد شده است که خصما را در بر بی میکساری می برد و از آن به عنوان "مزه" یا دکنند که عین نجاست است و اکل آن کسم کسل میبندد و دارد .

مونوقامی Monocamy

در زبان "جل" یا ریس "که هما بیش ولهجه مردمانش همچون هوا و لهجه مردم با برست باشد ، این لغت دعوت زنا بندکارهاست به امر زنا که موجب بروز نکبت و فساد رقبه باشد .

پولیگامی Polygamy

درهما نزیبا ، طرف شدن با جنس مخالف با شکره انجام آن در مقابل برداخت "پول" است و کویا تقلیدی از مشعه با مسلمانان باشد که بر اثر فتح ندلس بوسیله مسلمانان را سلام کشر الله امثالهم در آن دنیا رشایع و با عث رفع مضیقات مبتلایان شده است .

ناسیونالیسم Nationalism

تشکیلات صنعتی معظمی با شکره کارخانجات تولید سیاره های بیسیکانما مرا مونتاژی نماید و در دنیا رجوع آورنده اش خیامی نامی بوده است لکنه الله علیه منیوم هذا علی لیوم الدین .

پری میشیو Primitive

اشاره به سرگذشت یا نوری جمیله ای "پری" نام از قوم پیوگوسلاو است که مطابق روایات ستا لنین بنیادین ، به دست دیوی "تیتوتا" شربت شهادت نوشیده و به لقاء الحق واصل گردیده است .

استر و کتور Structure

نام دو اسب پیشینی است دریا و راهل مسیحیت که علی یوم القیامه زمین کرده در انتظا رظهور حضرت مسیح (ع) بر در جنت ایستاده اند .

تیز Thesis

در لهجه ترکان عثمانیه معنی عجله کردن آمدن است .

سینتز Synthesis

به هما نلهجه حرکت تند و استیفاء کند که از دوم شخص مفرد سرزند و کویا در آدابش حکم کار خلاف را هم دارد . و الله اعلم . .

آنتی تیز Antithesis

"آنتی" درهما نلهجه به معنای "جده پدیری" آمده است و لذا لغت مزبور به معنی حرکت تند است که از آن جده پدید آید و از مباحث باب ارتداد است در فقه بقاء کلیسیا .

تکنیک Technique

برعکس کلمه تزیه معنای کار رنگی آمده است که برای یک بار به انجام رسد و قریب لغت به لسان فرس نشانه حد تقلید انجام از ماست .

استراتژی Strategy

اشاره به اسب آنجین بیما نی است از اصحاب شیخنا ابو موسی بن سینی ، که چون به دریا رسیدی ما هی شدی و چون به دره رسیدی بال زدی و فی الجمله از عجب ببعده بوده است .

تاک تیک Tactics

مشتکر است در کلیه اسناد و آونتی است که عقربدها میساعت در جهت عکس حرکت معقول بجز خند و با لنتیجه صدایساعت اینگونه کرده .

بلشویک Bolchevic

نام مطایفه ای ز پرتقا لغز و شها یشسوار در هنگا مشعله و رشدن با شکره جنگ خانما ، براندا زجهانی بوده که فی الحال مخفی امکان و مجدورا لنتا شند و کویا بند که به هنگا مظهر حضرت به لکد حمار دجال بندرک اسفل لسان فلین و اصل کردند ، اشالله تعالی فرجه الشریف



دولت جمهوری دیا ری مدعی شده که قرارداد یک میلیارد یونوی با تالیوت برای خرید تکنولوژی است .

را بعه بنت رعب بزداری

زنان اشتراکی!

شب با نزد هم شعبا نبود و به همین مناسبت در خانه وزیرا مور خا رجه ، مجلس ضیا فتی برپا بود ، تویبا غر سبز و بزرگ حضرت وزیر که قبلا متعلق به یکی از وزرا یط غوث بود ، زیر درخت و آ لاجیقی قالی پهن کرده بودند و مخده گذاشته بودند ، از جلوی ما ختمان سفید رنگی که ابتدا یبا غی بود ، تا نزدیک استخر که در انتهای باغ قرار داشت ، پرده بلند سفیدی با غرا به دو نیمه تقسیم کرده بود ، یکطرف خانمها و یکطرف آقا با بندر گوشه و کنا رنشته بودند و بوسیله چند جوان پریشو و چند دختر جا در بر سر پیرا ئی میشدند ، گاه که صدای خنده زنی از طرف دیگر پرده شنیده میشد و گوشها را تیز میکرد ، عمامه دار ها مجلس استغفرا لله میگفتند ، یکبار هم در همینرا بطه حضرت وزیر به گوش یکی از دخترها یجا در بر سر گفت به خانم وزیر بگوید که خانمها مسا یل شرعی را رعایت کنند ، سیمین خانم ، عبا لوزیرا مور خا رجه ، که پس از ازدواج حضرت وزیرنا مش را به سلمه تغییر داده بود ، زیر یک آ لاجیق چسبیده به پرده وسط با غنشته بود و به در دل ها یجا جیه صفرا عبا ل حجت الاسلام با ط کریم رئیس مجلس اسلامی در مورد مشکلات خانم رئیس مجلس بودن گوش میکرد ، درست آن طرف پرده ، سید مرتضی پسر آیت الله سر بر سر " که به تا زگی ز فرنگ آمده بود و صحبت از معا و نت فریب الوقوعش در یکی از وزرا رتخا نه ها بود ، در خا لیکه به مخده ای پشت به پرده تکیه داده بود ، داشت برای پسر حجت الاسلام کوه نور " معا و وزرا رت خا رجه ، از شما هدا ت فرنگش میگفت :

با و رکنید آقا این کمونیستها فقط بلدند حرفها یبا مصطلاح اخلاقی بزنند و جوانها ی مردم را فریب بدهند ، ولی من که از نزدیک با آنها در یک دانشگاه بوده ام میدانم که همه حرفها یشان مزخرف است دلشان برای مردم نسوخته ، دلشان برای خودشان نسوخته ، وقتی میگویند همه چیز با ید اشتراکی با شد دروغ است ، چون حتی حاضر نیستند یک قرا نه ی یک فقیر بدبخت کمک کنند ، فقط منظورشان اشتراکی شدن

زنها است .

راست است .

راست چیه آقا ؟ من خودم با چشم خودم میدیدم که در سخنرا ئی شما یشان میگفتند زرا از اسارت مردخا رچ کنید ، زرا از اسارت شوهر خا رچ کنید ، زن مال جا معه است .

لا اله الا الله ، عجب بیشرمی ای . یعنی این حرفها را در مقابل همه میزدند ؟

بله آقا ، و طرفدارانشان هم میکشیدند ، میگویند خود ما رکی این حرف را زده .

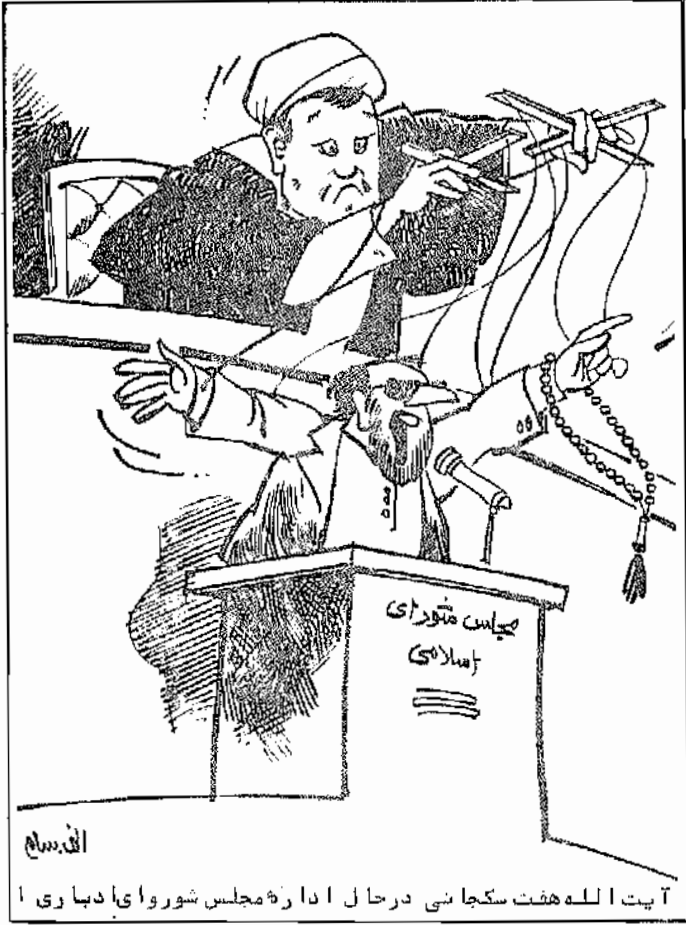
خا لایببینید اسلام ما چه میگوید و چگونه در مورد زنها حرف میزند ...

و شروع کرد به ایرادها ی زقرآ ندر مورد زن ، که سید مرتضی گوش و جواسش را سپرد به صدای پیچما نند سلمه خا نم که شروع به صحبت کرده بود .

والله خا چخا نتم این زنها یط غوثی خیا ل میکنند ما چون وزیر

جا در رفته ایم چیزی هم سرا نمیشود ، من خودم ده سال در اروپا بودم شما میدانید که زرا نا نگلیسی را فوت آیم و خیلی از چیزها ئی را که دخترها ی فرنگی بلدند ، با دم و لسی خب حاضر نیستیم دیگر تن و بدنم را هر مردی شو یگو چه و خیا با ببینند .

و سعی کرد صدایش را بواش کند :



آیت الله هفت سگجانی در حال ادا ر مجلس شورای دبا ری ا

با و رکنید همین من که روبروی شما نشسته ام ، با ما یوهم به دریا رفته ام .

صدای سراسر آید خا جیه صفرا بلند شد :

خدا سزگم بنده سلمه خا نتم ، استغفرا لله بگوئید .

هنا رتا استغفرا لله گفته ام خا نتم ، خدا توبه را برای چه گذاشته ؟

خدا بزرگوار ،

البتة ، البتة ، خدا از سر تقصیرنا نگذر دکه البتة میگذرد ، چون به راه آمده اید .

بله که به راه آمده ام ، از وقتی به عقد حضرت وزیر در آمدم و با مسا یل سلامی شنا شدم ، دنیا برا بمر روشن شد .

خدا چشم همه بندگان را فلرا روشن کند ، الهی شکر ، الهی شکر ، آنوقت این زنها یبا مصطلاح فرنگ رفته فکر میکنند زادی زن به یجا دریا ست ، نمیدانند زرا یبا یدازا سارت فکرش بیرون بیا ید نه چا در .

بله بله ، خدا شما زرا نتحصیل کرده را که خوب میتوانید ساز

جمهوری اسلامی دفا عکسبید حفظ کند ، خوش بجا لجناب وزیر که ...

سید مرتضی کدا زرا وسط محبت سلمه خا نتم که ما ی مطبوع یبا زوا ن عربی نا و از پشت پرده نزن نشسته اش کرده بود ، با سرفشا ری به با زوا ن اودا دوبلنت گفت :

بله آقا ، بگو در سر ی ، قرآ ن همعا یب خیزها را فاش کرده است .

دل بینا سرخا نتم بشههد ولدت ببرد

سلمه خا نتم که از وقتی در مهمان نی وزیر نفنت سید مرتضی را دیده بود پرا ی و دل در دلش نبود ، نا کها بخر خا ست و گفت :

ببخشید صفرا خا نتم ، من با ید بروم یک سرگش ید آ شیز خا نتمه بکنم .

بعد از شام ، نا کها خا نتم وزیر غیش زد ، خدمه برای دستور

گرفتن مرا سم بعدا ز شام همعا نا کها را به دنیا لا یشان کشتند و درست وقتی که حسابی نگرا نشده بودند و میخواستند از جا بوزیر

جوبا شوند ، سلمه خا نتم با سوری آ شفته از پشت استخر پیدا یب شد و وقتی یکی از آنها جلو دوید و حالش را پرسید ، با چشما نی خما رکدا شبیه چشما نا شک آلودید ، گفت :

تما دفا جشمما فتا دبه یکی از خیرها ی روزنا مه کبیا نه که چها ر زرا یبه جر من زرا ی محسنه اعدا م کرده بودند ، خا لم بهم خورد و فکرا کرد آ خر چطور ممکن است در دوره جمهوری اسلامی هم درآ بین مملکت

از این چیزها اتقا قیافتد . چند ساعت بعد ، خیر خا لبهم خوردن خا نتم وزیر بگوش همه مهمانان رسید و پسر آیت الله سر بر سر ، مقابله چند تن زما بندگان مجلس شورای اسلامی ، به وزیرا مور خا رجه که عبا لی چنین عقیف دارند که گنا ه دیگران هم حالش را بهم میزند تشریح گفت و دفا یقی چند در مورد اتقا و اخلاق بینا سلام و کمونیسم سخن پرا کنی کرد .

آهنگر

AHANGAR

A PERSIAN HUMOROUS WEEKLY
PUBLISHED BY SHOMA PUBLICATIONS

Editor: M. Mahjoobi

Cartoonist: A. Sam

11 JUNE 1982 No.17(33)

روز یکشنبه

سردبیر: منوچهر محجوبی
کاربرگها از: الف - سام

به ما کمک کنید
ما برای دا هم میارز قلمی
و حیات مطبوعاتی خود، به کمک
شما نیازمندیم. لطفاً کمکهای
مالی خود را به هر طریق که
میدانید برای ما به نشانی چاپ
شده در زیر ارسال فرمائید.

Address,
AHANGAR,
94, WEST END LANE,
LONDON NW6, ENGLAND

نخس است این ارتش و سوزانده با بدشودا

روزنامه‌ها یرزیم خبر دادند
که ۳۰۰ میلیون ریال اعتبار برای
امتحان عرا مدانتجوبه حارج
نامیننده است.

حیرتکار ما از وزیر آرموزش
پرسید "شما که می‌توانید اینهمه
پول خرج امتحان عرا مدانتجوبه
کنید، چرا اسرا سوزانده دانشجویانی
که الاز در خارج درس میخوانند
نمیدهد؟"

وزیر آرموزش گفت "مگر خلع
نده ایم؟ ما اسرا سوزانده را رسم
حرج حزب اللیبی‌ها می‌کنیم
که قرار است به عنوان دانشجو
برود حساب آنها را برینند،
حنا سالی بیفر ما شد که پول
همه آنها بدهیم؟"

ما خود ما زهرا ردا مییم

موسوی ردیبیلی در مصاحبه با
حیرتکار را نکت "آکر مدام بود
ودوبست دما میباید، مسئله باز
همین است.

یکی از حیرتکار را پرسید:
"برای چه؟"
گفت "برای اینکه ما خودمان
هزار داسم."

اسرا ظها نظرا ما جلادان که
گفته است "اسرا شیل اگر انگش
را به بحر بزند، آن بحر محسوس
خواهد شد" در حاتل سبایی
نوعی پرونده‌ها زی برای ارتش
تلفی شده است.

اسدلال ابن‌مجاهل حسین
است که اسرا سوزانده‌ها را
هم قبول کرده است که اسرا از
اسرا شیل سلحه خریداری کرده است و

چون سبایی را این معاملة بدون
واسطه انجام داده، اسرا برای اس
آخوندها ترنیمی داده اند که
ارتنیبا خودشان سلحه را از

دست اسرا شیل بخرند. بنابراین
حال دیگر اسرا سوزانده‌ها را
که دست ارتشیا به دست های
نخس اسرا شیل حورده و حتی
عده‌ای از آخوندها از همین حال

پرونده‌ها شورت کرده اند
که تا رسیدن به غلطات
ارتش اسرا شیل "انگشت اسرا شیل"
در کار نبوده و اسرا سوزانده‌ها
پیروزی کامل بر عرا می‌یابند
حکما ما، هم اسرا سوزانده‌ها را
سوزانده شوند تا ساحت آنها
باک شود.

اگر هواپیما های عراقی مرد بودند

یوا شتر پرواز میکردندا

مرد بودند با بدر بر سرعت صوت
حرکت میکردند تا دفاع نیروی
هواشی سپنا بیفجا ند که یکمن
ما ست جقدر کره میدهد.

روز مستضعفین

در بهشت زهرا

از شهر انجبر رسید که روز ۱۷
خرداد به مناسبت روز مستضعفین
مراسم ویژه‌ای در کورستان بهشت
زهرا برگزار شده است.

آقای رئیس جمهور که برای
افتتاح این مراسم به بهشت زهرا
رفته بود، از حین انتخاب محل
برای این روز را برای زوجه‌ها
کرد دستور داده و عنوان سبویه
تعدادی را مستضعفین جا خورده در

گورها میس با خسته شدن شوتند
و بر سر آنها سوزانده در همین
روز مراسم خاص برگزار نمود،
ضمناً قرار شده توصیه‌ها ما
جلادان هر مستضعفی که از این
سعدنا روکا رویداد است خواست
مستقیماً به بهشت زهرا برده شده
و مورد پذیرایی فرا رگیرد.

سنا در ارتش جمهوری داری
پس از نتایج هواپیما های
عراقی به آسمان تهران علامیه
دا دکه "هواپیما های دشمن با
دو سراسر سرعت صوت حرکت
میکردند که فاصده هر گونه ارتش
نظا می‌ست و جتها می‌توانستند
آنها را فرایدهند."

برای اطلاع کسانی که ممکن
است معانی علامیه ارتش را
تفهمیده باشند توضیح میدهد
که هواپیما ها صد امکا فر فرار
بوده است در فرودگاه مهرآباد
تهران سبب سوز و زخم حسیه را
ساقط کنند که خوشبختانه بر اثر

پرواز هواپیما های جت اسلاسی
هوا را پس دیده و با به فرار
گذاشته اند و در این فرار سبب
آنقدر عجله داشته اند که برخلاف
معیارهای نظا می‌سر عشان دو
برابر سرعت صوت شده و با دست
خودشان ارتش نظا می‌کارشان را
از پس برده اند حال آنکه اگر

